

ارزیابی مجلس از عملکرد وزارت نفت و نیرو در اجرای اصل (۴۴)

خصوصی سازی و آزادسازی روی ریل‌های ناموازی

گروه تحلیل و تفسیر

بررسی نحوه اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در وزارت نفت

دیگر برای بازشدن گره‌های خصوصی سازی و آزادسازی در صنعت نفت و نیرو اجتناب ناپذیر است چه این‌که بین آن می‌رود به دلیل نوع واگذاری‌ها، روند سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و نیرو دچار خدشه شود و به دلیل مصلحت و منفعت ملی دولت ناچار شود به سرمایه‌گذاری دولتی بر روی طرح‌ها و پروژه‌ها روی آورد. گزارش کمیسیون نظارتی مجلس پیش روی شماسست و البته این حق را برای وزارتخانه‌های نفت و نیرو برای پاسخ به ابهامات مطرح شده محفوظ می‌دانیم.

نه! جهت حرکت قطار خصوصی سازی در صنعت نفت رضایت بخش نیست چه این‌که کارشناسان صنعت نفت می‌گویند حدود ۹۰ درصد واگذاری‌های انجام شده بابت رد دیون دولت و یا سهام عدالت بوده است و تداوم این روند نگران کننده است و از سوی دیگر فرایند خصوصی سازی و آزادسازی فعالیت‌ها و تصدی‌گری‌های دولت به دلیل و یا توجیه حفظ زنجیره ارزش تولید با مقاومت مدیران مواجه می‌شود. گزارش کمیسیون نظارتی مجلس درباره واگذاری سهام شرکت‌های زیرمجموعه وزارت نفت و نیرو نشان می‌دهد که شفاف‌سازی قانون و تدوین نقشه راهی



شرکت‌های خدمات ترابری و پشتیبانی نفت، خدمات مهندسی و تجهیزات صنعتی توربین جنوب و پیراحقاری؛ کار خاصی صورت نپذیرفته و مقرر شده نسبت به قیمت‌گذاری آن اقدام شود.

شرکت نیکوسارل: مقرر شده که وظایف آن به شرکت اصلی محول و منحل شود.

شرکت خدمات عمومی، بهداشت صنعتی و درمانی صنعت نفت: برای این شرکت نیز کار خاصی صورت نپذیرفته و شرکت نفت پیشنهاد کرده به استناد تبصره (۲) بند (ج) ماده (۳) قانون چون این شرکت در حوزه سلامت است، از شمول واگذاری مستثنی شود. مقاومت نفتی‌ها و تقاضای استثناء شدن اما وضعیت شرکت‌های گروه دو شرکت ملی نفت ایران در رابطه با اجرای سیاست‌های اصل (۴۴) به شرح زیر است:

شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت: بنا بر ادعای مسئولین شرکت نفت، عمده وظایف این شرکت وظایف حاکمیتی است. بنابراین پیشنهاد انتقال ساختار آن به وزارت نفت را دارند. به هر حال برای واگذاری آن کار خاصی صورت نپذیرفته است.

شرکت ملی صادرات گاز: بنا بر ادعای مسئولین شرکت ملی نفت، این شرکت نیز مانند شرکت فوق‌الذکر دارای وظایف حاکمیتی بوده و کار خاصی برای واگذاری آن صورت نپذیرفته است.

شرکت پایانه‌های نفتی ایران: ۴۰ درصد از سهام شرکت به سهام عدالت واگذار شده، اما برای واگذاری

میلیارد تومان فروخته شده، اما به دلیل عدم اجرای تعهدات خریدار، مجدداً برای مزایده آماده می‌گردد و مابقی در اختیار دولت قرار دارد.

اویک به مزایده برود و حفاری شمال به بورس

مهندسی و ساختمان نفت: ۷۲/۲۹ درصد از سهام شرکت متعلق به نفت، مقرر شده در سال جاری و از طریق بورس یا مزایده به فروش برسد.

حفاری شمال: حدود ۲۸ درصد از سهام این شرکت از طریق بورس به فروش رسیده و مقرر شده بود یک بلوک ۲۰ درصدی در آینده نزدیک از طریق بورس به فروش برسد.

هلی کوپتری ایران: به مزایده رفته و به قیمت ۱۲۵ میلیارد تومان به فروش رسیده است.

بالتکلیف‌ها؛ حساسیت روی ملی حفاری

شرکت خدمات رفاهی نفت و شرکت پشتیبانی ساخت و تهیه کالای نفت ایران: تاکنون کار خاصی صورت نپذیرفته و قرار بوده نسبت به قیمت‌گذاری آن اقدام گردد.

شرکت ملی حفاری: تاکنون کار خاصی صورت نپذیرفته، اما توسط وزارت نفت پیشنهاد شده که به دلیل حساسیت این شرکت، واگذاری آن به چند شرکت تعاونی سهامی عام متعلق به کارکنان شرکت حفاری صورت پذیرد. لازم به ذکر است تاکنون فقط ۰۳ درصد از سهام این شرکت به سهام عدالت تعلق گرفته که مشکلی را حل نکرده است.

گزارش کمیسیون نظارتی مجلس فرایند خصوصی‌سازی سهام شرکت‌های زیرمجموعه چهار شرکت اصلی وزارت نفت شامل شرکت‌های ملی نفت، گاز، پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی و صنایع و پتروشیمی را به تصویر می‌کشد. بر اساس این گزارش، ۱۳ شرکت زیرمجموعه شرکت ملی نفت ایران شامل، پتروایران، پتروپارس، مهندسی و ساختمان نفت، حفاری شمال، هلی‌کوپتری ایران، خدمات رفاهی نفت، پشتیبانی ساخت و تهیه کالای نفت ایران، ملی حفاری، خدمات ترابری و پشتیبانی نفت، خدمات مهندسی و تجهیزات صنعتی توربین جنوب، پیراحقاری ایران، نیکوسارل و خدمات عمومی و بهداشت صنعتی و درمانی نفت جزء گروه یک قانون اجرایی شدن سیاست‌های اصل (۴۴) قانون اساسی قلمداد می‌کند و همچنین پنج شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت، ملی صادرات گاز ایران، پایانه‌های نفتی ایران، مهندسی و توسعه نفت و نفتیران اینترترید (نیکو) را در گروه دوم قرار می‌دهد.

پتروایران و پتروپارس همچنان در تعلیق

شرکت پتروایران: ۱۰۰ درصد سهام آن به قیمت ۱۱۰ میلیارد تومان در سال گذشته به برنده مزایده فروخته شده، اما به علت پارهای ابهامات در تعیین قیمت، تحویل شرکت به دستور ریاست محترم جمهور (به خریدار) متوقف و مقرر شده با توجه به قیمت‌گذاری جدید مجدداً در دستور کار خصوصی‌سازی قرار گیرد. البته شرکت «انرژی دانا» خریدار سهام با عنایت به واریز مبلغ ۲۰ درصد ثمن نقدی معامله، ادعای خسارت کرده است که باید مورد عنایت قرار گیرد.

پتروپارس: ۶۱ درصد سهام شرکت به قیمت ۲۵۰

بقیه سهام کار خاصی صورت نپذیرفته و شرکت ملی نفت قصد دارد عملیات شرکت در جزیره خارک و پایانه نکا را از شرکت منتزعه و به شرکت ملی نفت منتقل، سپس نسبت به واگذاری آن اقدام نماید.

شرکت‌های مهندسی توسعه نفت و نیز نفتیران اینتر ترید (نیکو): برای واگذاری این دو شرکت نیز

کار خاصی صورت نپذیرفته و شرکت نفت درخواست کرده نسبت به مستثنی شدن این شرکت‌ها از واگذاری اقدام لازم به عمل آید.

چالش بر سر حاکمیت و دخالت

همانگونه که ملاحظه می‌گردد به جزء چهار شرکت اول از شرکت‌های گروه یک شرکت ملی نفت ایران، برای بقیه شرکت‌ها کار خاصی در جهت اجرای سیاست‌های اصل (۴۴) صورت نپذیرفته است.

مهم‌ترین علل این مشکل عبارتند از:

۱- عدم تفکیک وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری نه تنها در شرکت ملی نفت ایران، بلکه در وزارت نفت نیز وجود دارد. مسئولین محترم وزارت نفت مدعی هستند در صورتی که اساسنامه جدید شرکت ملی نفت تصویب گردد، این معضل برطرف خواهد شد که علی‌رغم تکلیف قانونی اقدامی صورت نگرفته است.

۲- به ادعای مسئولین محترم وزارت نفت به دلیل نگرانی در مورد حساسیت‌های عملیاتی در تولید نفت و گاز، حجم سنگین سرمایه و انحصاری بودن فعالیت و ماهیت حاکمیتی برخی دیگر از شرکت‌ها و عدم اعتقاد جدی به خصوصی‌سازی مسئولین شرکت‌های زیرمجموعه، این موضوع در شرکت ملی نفت به کندی صورت می‌پذیرد.

بنابراین پیشنهاد می‌گردد با توجه به حضور وزیر محترم جدید نفت، موضوع اجرای سیاست‌های اصل (۴۴) به صورت جدی در دستور کار ایشان قرار گرفته و نسبت به واگذاری شرکت‌های مشمول اقدام عاجل به عمل آید.

شرکت ملی گاز ایران؛ اندکی فراتر از صفر

شرکت‌های گاز استان‌های سمنان، چهارمحال و بختیاری، زنجان، مرکزی، لرستان، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، مازندران، گلستان، قزوین، قم، یزد، گیلان، خوزستان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، فارس، ایلام، اصفهان، خراسان جنوبی، همدان و شرکت‌های پالایش گاز طبیعی توابع استان تهران، پالایش گاز پارسین، مجتمع گاز پارس جنوبی، پالایش گاز شهید هاشمی نژاد خانگیران، پالایش گاز فجر جم، پالایش گاز سرخون و قشم، پالایش گاز ایلام، خدمات فنی تعمیرات- پارس جنوبی، مهندسی و توسعه گاز، پالایش گاز بیدبلند (۱)، خطوط لوله انتقال گاز ایران جزء بنگاه‌ها و فعالیت‌های گروه دو دسته‌بندی شده‌اند.

از مجموعه شرکت‌های مذکور ۴۹ درصد سهام شرکت

گاز استان همدان و ۴۱ درصد از شرکت پالایش بیدبلند (۱) بابت رد دیون واگذار شده و برای مابقی شرکت‌های ذکر شده هیچ‌گونه کاری صورت نپذیرفته است. شرکت‌های پالایش گاز بیدبلند (۲) (قبر اصفهان) و گازخودرو ایران جزء گروه یک بوده که در مورد آنها کار خاصی صورت نپذیرفته است.

استانی‌ها هلدینگ شوند

با عنایت به تصویب لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها و واقعی شدن قیمت گاز، زبان‌دهی شرکت‌های گاز استانی خودبه‌خود برطرف خواهد شد. بنابراین پیشنهاد شد شرکت‌های گاز استانی در قالب شرکت مادر تخصصی گاز (همانند شرکت مخابرات) تبدیل به شرکت سهامی عام شده و نسبت به واگذاری سهام آن اقدام گردد و یا به صورت شرکت‌های تعاونی سهامی عام استانی به ساکنان همان استان واگذار گردد. ضمناً مسئولین محترم شرکت ملی گاز ایران درخواست دارند که نسبت به مستثنی شدن شرکت خطوط لوله انتقال گاز ایران از واگذاری (همچون شرکت مدیریت شبکه برق ایران) اقدام لازم به عمل آید. همچنین ادعا دارند شرکت‌های پالایش گاز دارای ماهیت حاکمیتی بوده و نباید نسبت به واگذاری آنها اقدام گردد.

پالایشگاه‌ها به بورس بروند

شرکت‌های پالایش نفت اصفهان، آبادان، اراک، بندرعباس، تبریز، تهران، شیراز، کرمانشاه، لاوان و شرکت‌های فرآورده‌های نفتی ایران، ملی مهندسی و ساختمان نفت ایران، خطوط لوله و مخابرات نفت ایران، توسعه صنایع پالایش نفت جزء شرکت‌های گروه دو می‌باشند که به جزء در مورد شرکت پالایش نفت اصفهان که ۳۰ درصد آن بابت سهام عدالت و ۳۵ درصد بابت رد دیون و حدود ۶ درصد آن بابت سهام ترجیحی و در بورس (جمعاً حدود ۷۱ درصد) واگذار شده برای مابقی شرکت‌های مجموعه، هیچ‌گونه کاری صورت نپذیرفته است. لازم به ذکر است که ۳۰ درصد از سهام شرکت‌های پالایش نفت آبادان، اراک، بندرعباس، تبریز، تهران، شیراز، کرمانشاه و لاوان به سهام عدالت واگذار شده است.

پیشنهاد می‌شود کلیه شرکت‌های پالایش نفت دارای ساختار شرکت‌های سهامی عام شده و از طریق بورس نسبت به واگذاری آنها اقدام شود. البته مسئولین محترم شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران پیشنهاد دارند که سهام شرکت‌های پالایش به سهام عدالت و رد دیون تعلق نگرفته و در صورت اصرار بر این موضوع ۴۰ درصد از ارزش بازار در قالب سه یا ۴ شرکت صورت پذیرد. به نحوی که مدیریت پالایشگاه‌ها با توجه به اهمیت طرح‌های توسعه، تجزیه نگردد و هر شرکتی یک مدیریت داشته باشد.

بر اساس ادعای مسئولین محترم شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی علت عدم انجام اجرای سیاست‌های اصل (۴۴) نقش پالایشگاه‌های کشور در تأمین سوخت، وجود طرح‌های توسعه برای

افزایش تولید فرآورده‌های سبک (بنزین و نفت گاز) حجم بالای سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای طرح‌های توسعه‌ای از عوامل مهم ایجاد نگرانی در واگذاری و احتمال بروز آسیب در انجام تعهدات حاکمیتی برای تأمین سوخت بوده است.

پتروشیمی‌ها؛ پشت دیوار ابهام

شرکت‌های پتروشیمی زاگرس، بازرگانی پتروشیمی ایران، عملیات غیرصنعتی بازارگاد، پتروشیمی دماوند، کالای پتروشیمی، مدیریت توسعه صنایع پتروشیمی، عملیات غیرصنعتی و خدمات صنایع پتروشیمی، ره‌آوران فنون پتروشیمی، پژوهش و فناوری پتروشیمی (پویش)، بازرگانی پتروشیمی بین‌الملل، پتروشیمی بین‌الملل، عملیات غیرصنعتی و خدمات پتروشیمی، پتروشیمی مبین، پتروشیمی بوشهر، پتروشیمی شیراز، پتروشیمی اروند، پتروشیمی برزویه، پتروشیمی شهید تندگویان، پتروشیمی فجر، پتروشیمی بیستون، پتروشیمی ارومیه، پتروشیمی خوزستان، پتروشیمی بوعلی سینا، پتروشیمی تبریز، پتروشیمی بندر امام، پتروشیمی پارس (عسلویه)، پتروشیمی اوره آمونیاک غدیر، خدمات کیفیت آریا، پتروشیمی ایلام، پتروشیمی مروارید، پتروشیمی مرجان، گسترش صنایع پایین‌دستی پتروشیمی، توسعه صنایع پایین‌دستی پتروشیمی، پتروشیمی هگمتانه، سرمایه‌گذاری پتروشیمی، پتروشیمی باختر، پتروشیمی مارون و پتروشیمی جم جزء شرکت‌ها و فعالیت‌های گروه یک محسوب شده‌اند که واگذاری آنها به شرح زیر می‌باشد:

۵۰ درصد از سهام پتروشیمی فناوران متعلق به دولت است که ۹۸ درصد از آن واگذار شده است.

۴۹ درصد از سهام پتروشیمی امیرکبیر متعلق به دولت است که ۱۰۰ درصد از آن واگذار شده است. البته بخشی از سهام دو شرکت فوق‌الذکر بابت رد دیون بوده است.

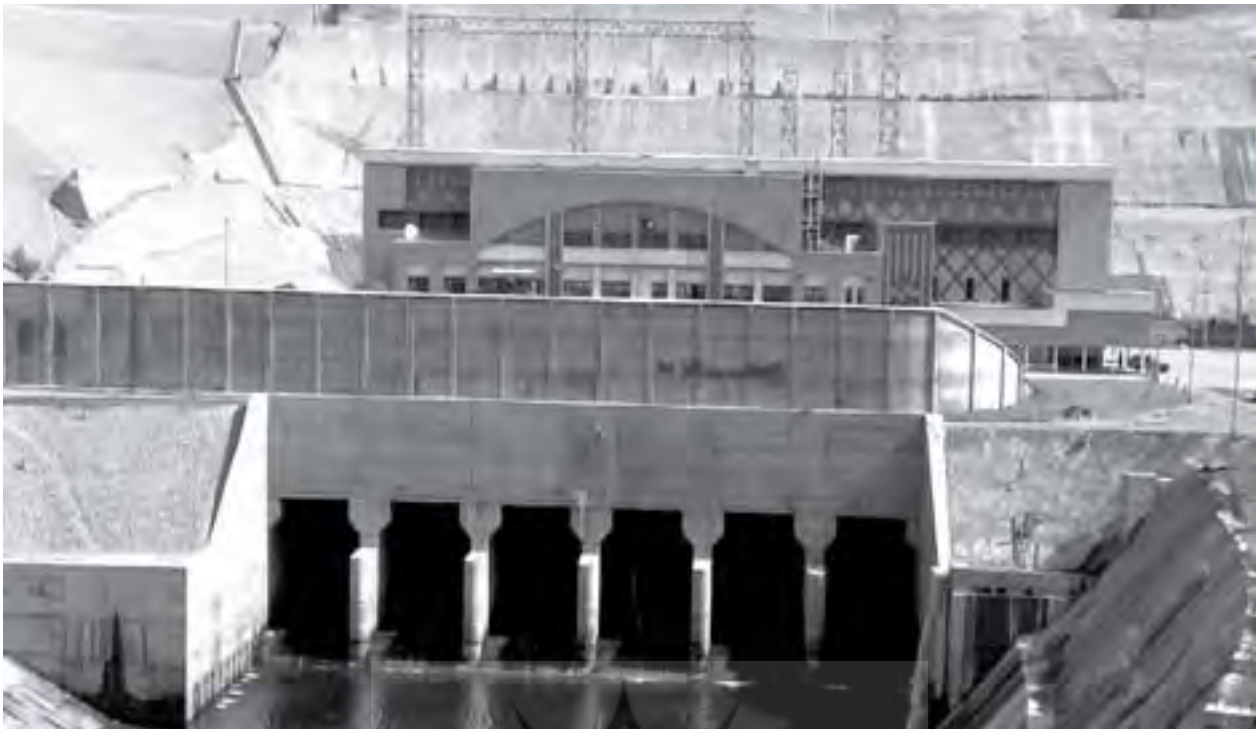
۱۰۰ درصد از سهام متعلق به دولت (۹ درصد و ۶ درصد) شرکت‌های پتروشیمی اراک و پتروشیمی اصفهان واگذار شده است. ۴۷/۲ درصد از سهام پتروشیمی جم از مجموع ۴۹/۷ درصد سهام متعلق به دولت بابت رد دیون و سهام عدالت واگذار شده ۹۴ درصد از سهام پتروشیمی خراسان بابت رد دیون واگذار شده است.

۱۰۰ درصد از سهام دولتی شرکت‌های پتروشیمی خارک، پتروشیمی آبادان، پتروشیمی رازی و ۵۰ درصد از سهام دولتی شرکت پتروشیمی مارون و ۳۰ درصد از سهام پتروشیمی تبریز و فجر بابت رد دیون و سهام عدالت واگذار شده است.

۳۰ درصد از سهام پتروشیمی‌های بیستون، بندر امام، بوعلی سینا، ارومیه، خوزستان بابت سهام عدالت و ۱۰ درصد از سهام پتروشیمی شهید تندگویان نیز بابت سهام عدالت واگذار شده است.

۱۰۰ درصد از سهام متعلق به دولت در پتروشیمی رازی و راهبران پتروشیمی فروخته شده است.

برای مابقی سهام شرکت‌های ذکر شده (۳۸ شرکت)



به جای واگذاری‌های فوق، سهام چند شرکت معدود را به سهام عدالت و رد دیون اختصاص داد و مانع چندپارگی مالکیت شرکت‌های مذکور شد. براساس بررسی‌های صورت پذیرفته در وزارت نفت، مشخص می‌گردد که سایر مفاد سیاست‌های کلی اصل (۴۴) تسهیل در شرایط سرمایه‌گذاری، بهبود فضای کسب و کار و توانمندسازی بخش خصوصی و تعاونی مورد توجه جدی قرار نگرفته است. به منظور حفظ زنجیره ارزش تولید در صنعت نفت پیشنهاد می‌گردد فرآیند واگذاری شرکت‌ها در وزارت نفت حتی‌الامکان از شرکت‌هایی آغاز شود که کمترین تأثیر را بر توسعه و اجرای طرح‌های بالادستی دارند.

بعد از ابلاغ اصل (۴۴)، سرمایه‌گذاری‌های متعددی توسط شرکت‌های تابعه وزارت نفت (که مشمول گروه یک هستند) صورت پذیرفته که تخلف از بند (الف) ماده (۳) قانون مذکور محسوب می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌گردد وزارت نفت ضمن توقف سرمایه‌گذاری‌های یاد شده، اقدام به بسترسازی جهت حضور بخش غیردولتی بنماید. به عنوان نمونه می‌توان به سرمایه‌گذاری شرکت پایانه‌های نفتی ایران در ساخت مخازن و اسکله‌های صادراتی اشاره کرد.

خصوصی‌سازی برقی‌ها و آبی‌ها

شرکت‌های مادر تخصصی وزارت نیرو عبارتند از: شرکت مدیریت منابع آب ایران شرکت توانیر شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور شرکت ساتنکاپ (ساخت و تهیه کالای آب و برق) در این گزارش کوتاه به هریک از شرکت‌های مذکور به طور جداگانه پرداخته خواهد شد.

سهام شرکت هلدینگی را که دارای حداقل ۱۰ شرکت پتروشیمی باشد (سهامدار شرکت‌های مذکور باشد)، به صورت سهامی عام در بورس اوراق بهادار عرضه کرد (منظور تشکیل یک شرکت سهامی عام که دارای حداقل سهام عمده ۱۰ شرکت پتروشیمی باشد، است). ۳- نکته دیگر، ضرورت اتخاذ تدابیری برای تحت‌الشعاع قرار نگرفتن طرح‌های توسعه صنعت در شرکت مادر تخصصی پتروشیمی می‌باشد.

پرش از ۷ مانع بلند

- ۱- عدم وجود ساختار مناسب و موظف در شرکت‌های مادر تخصصی
- ۲- طولانی بودن فرآیند واگذاری از زمان تصویب تا فروش سهام خصوصاً در روش واگذاری از طریق بورس
- ۳- عدم توجه به برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت متناسب با تعداد شرکت‌ها در سازمان خصوصی‌سازی
- ۴- تفصیل و تعدد آیین‌نامه‌های تنظیمی که موجب تأخیر در انجام هر مرحله از فرآیند می‌باشد.
- ۵- وجود بحران‌های مالی خصوصاً در بازار سرمایه
- ۶- عدم اعتماد سرمایه‌گذاران بزرگ به بازار سرمایه برای خرید سهام شرکت‌های بزرگ
- ۷- همان‌گونه که ذکر شد، دولت در موارد متعدد بخشی از سهام چند شرکت پالایشی و پتروشیمی را به منظور رد دیون و یا اختصاص سهام عدالت واگذار کرده که این نوع واگذاری منجر به عدم تمایل بخش خصوصی برای خرید سهام بلوکی باقیمانده این شرکت‌ها و ایجاد تفرق در مدیریت آنها کرده است. همچنین موجب عدم امکان توسعه سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها را فراهم آورده است. بنابراین می‌توان

کار خاصی صورت پذیرفته است. هر چند شرکت ملی صنایع پتروشیمی نسبت به سایر شرکت‌های وزارت نفت در اجرای سیاست‌های اصل (۴۴) قانون اساسی پیشرو بوده است اما با توجه به ماهیت شرکت‌های مذکور و اینکه کلیه این شرکت‌ها جزء فعالیت‌های گروه یک محسوب شده و سرمایه‌گذاری برای این‌گونه شرکت‌ها در بخش خصوصی نیز جذابیت لازم را پیدا کرده است، انتظار کار جدی‌تری از شرکت مذکور در اجرای سیاست‌های اصل (۴۴) می‌رود.

راهی برای برون‌رفت از بن بست

- ۱- از آنجا که اغلب شرکت‌های فعال و نیز طرح‌های در دست اجرای پتروشیمی، از روش فاینانس برای تأمین اعتبار ارزشی و سپردن تعهد در مشارکت خارجی به مرحله اجرا رسیده، از جایگزین کردن شرکت مادر تخصصی با تعهدات و وثایق دیگر الزامی است.
- ۲- در بسیاری موارد سهام برخی از شرکت‌ها به عنوان وثیقه دریافت وام برای شرکت دیگری در رهن می‌باشد که تعویض وثیقه در این موارد توسط سیستم دیگری الزامی است. به عنوان نمونه در واگذاری شرکت پتروشیمی امیرکبیر این مشکل موجب ادعای ضرر و زیان توسط خریدار سهام شده، زیرا امکان واگذاری کامل سهام (امضاء دفتر نقل و انتقال سهام طبق قانون تجارت) به خریدار حاصل نشده است.
- با توجه به اینکه تشکیل شرکت‌های پتروشیمی از جذابیت لازم در بخش خصوصی برخوردار می‌باشد و سهام آنها خریدار دارد، پیشنهاد می‌گردد هر چه سریع‌تر سهام شرکت‌های مذکور به صورت شرکت‌های سهامی عام در بورس اوراق بهادار عرضه گردد، البته می‌توان

شرکت مدیریت منابع آب ایران

شرکت مدیریت منابع آب ایران شرکت مادر تخصصی آب کشور می‌باشد که شرکت‌های زیرمجموعه آن در گروه یک و دو در ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) دسته‌بندی شده‌اند.

شرکت‌های مشمول گروه دو شامل شرکت‌های آب منطقه‌ای می‌باشند که فعلاً جهت واگذاری درصدی از سهام آنها نیز هیچ‌گونه کاری صورت نپذیرفته است. بر اساس ادعای شرکت مدیریت منابع آب، وزیر محترم اقتصاد و دارایی این شرکت‌ها را مشمول هیچ‌گونه واگذاری ندانسته است.

شرکت‌های مشمول گروه یک شامل شرکت‌های بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی و شرکت‌های بهره‌برداری از سد و نیروگاه‌های آبی کشور و شرکت فراب می‌باشند. در رابطه با شرکت‌های مشمول گروه یک، جزء تعداد معدودی از شرکت‌های مذکور، مابقی واگذار نشده، اما ۴۹ درصد از سهام شرکت فراب متعلق به شرکت مدیریت منابع آب از طریق فرآیند مزایده واگذار شده که لازم است مابقی سهام یعنی ۵۱ درصد از آن که متعلق به شرکت صبا می‌باشد یا از طریق شرکت صبا (واگذاری سهام صبا) و یا به صورت جداگانه واگذار گردد. در رابطه با واگذاری ۴۹ درصد از سهام فراب نیز مشکلاتی ایجاد شده که با پیگیری سازمان خصوصی‌سازی در حال برطرف شدن می‌باشد.

شرکت‌های بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی و همچنین بهره‌برداری از سد و نیروگاه‌های برق آبی که ۴۹ درصد از سهام آنها برای واگذاری به سازمان خصوصی‌سازی معرفی شده‌اند، عمدتاً برای رفع تکلیف قانونی و به شکل صوری انجام پذیرفته است. بسیاری از این شرکت‌های بهره‌برداری دارای مشکلات عدیده مالی و پرسنلی می‌باشند که باید قبل از واگذاری حل و فصل گردند. در ضمن شرکت صبا در برخی از این شرکت‌ها دارای سهام بوده که می‌توان برای عرضه در بخش خصوصی هم‌زمان ۵۱ درصد از سهام این شرکت‌ها را ارائه کرد.

شرکت توانیر

شرکت توانیر شرکت مادر تخصصی برق و انرژی کشور می‌باشد که این شرکت نیز شامل شرکت‌های گروه سه و گروه دو و گروه یک است.

شرکت‌های گروه دو مانند شرکت‌های برق منطقه‌ای که برای واگذاری سهام آنها هیچ‌گونه تمهیداتی صورت نپذیرفته است.

شرکت‌های گروه یک عبارتند از: شرکت‌های تولید نیروی برق، شرکت‌های توزیع نیروی برق، سازمان انرژی‌های نو، سازمان بهره‌برداری و انرژی ایران و مپنا

شرکت‌های گروه سه، شرکت سازمان توسعه برق ایران و شرکت مدیریت شبکه برق ایران می‌باشند که این شرکت‌ها واگذار نخواهد شد.

در مورد شرکت‌های گروه دو متذکر می‌گردم که سهام شرکت‌های تولید نیروی برق و توزیع نیروی برق در حال حاضر ۴۰ درصد متعلق به توانیر و ۶۰ درصد متعلق به شرکت صبا می‌باشد.

در رابطه با شرکت‌های تولید برق مقرر شده است که مالکیت نیروگاه‌ها از توانیر به شرکت‌های تولید برق دولتی انتقال یافته و این شرکت‌ها از طریق بورس قیمت‌گذاری شده و واگذار گردند. در این زمینه کار بسیار کندی صورت پذیرفته که نیاز به جدیت برای واگذاری مالکیت نیروگاه‌ها به بخش خصوصی می‌باشد و لازم است موضوع تشکیل شرکت‌های مذکور و فروش سهام آنها به صورت جدی پیگیری شود.

در رابطه با شرکت‌های توزیع برق با توجه به قانون استقلال شرکت‌های توزیع مصوب ۱۳۸۶ مقرر شده بود که حداکثر سهام در اختیار توانیر در این شرکت‌ها ۲۰ درصد باشد و مابقی به بخش خصوصی واگذار شود، در این زمینه نیز کار جدی از طرف شرکت توانیر صورت نپذیرفته است.

در رابطه با سهام مپنا باید گفت که حدود ۵۱ درصد از سهام مپنا در حال حاضر متعلق به شرکت صبا بوده که لازم است نسبت به واگذاری آن یا از طریق واگذاری سهام صبا یا به صورت جداگانه اقدام گردد. در رابطه با ۳۹ درصد سهام توانیر در مپنا در حال حاضر به جزء سهام واگذار شده به سهام عدالت مابقی توسط سازمان خصوصی‌سازی در حال فروش می‌باشد. شایان ذکر است واگذاری شرکت مپنا در بورس که قبلاً قرار بود در ۱۸ آبان ماه ۸۸ عرضه گردد مجدداً به تعویق افتاد.

شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور

شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور دارای دو مجموعه شرکت‌های آب و فاضلاب شهری و آبفای روستایی است که در گروه دو جای گرفته‌اند.

در شرکت‌های آب و فاضلاب شهری حدود ۴۹ درصد از سهام متعلق به شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور و مابقی تا ۵۱ درصد متعلق به شرکت‌های وابسته به وزارت نیرو مانند صبا می‌باشند. این شرکت‌ها عمدتاً دارای زیان انباشته بسیار زیاد در صورت‌های مالی خود بوده که ناشی از سرمایه‌ی ثبتی بسیار اندک این شرکت‌ها می‌باشد. در رابطه با واگذاری این شرکت‌ها کار جدی صورت نپذیرفته است.

پیشنهاد می‌گردد جهت هماهنگی بهتر ارائه خدمات شهری برخی از این شرکت‌ها به شهرداری‌های (دارای سهام حدود ۴۹ درصد این شرکت‌ها) شهرهای بزرگ واگذار گردد و از طریق دفتر تنظیم مقررات وزارت نیرو نظارت مناسب و لازم برای ارائه خدمات به مشتریان صورت پذیرد.

شرکت ساتکاپ

تمام شرکت‌های وابسته به ساتکاپ که جزء گروه یک محسوب شده‌اند، از جمله شرکت‌هایی می‌باشند که باید واگذار گردند (به جزء شرکت مهتاب قدس که در گروه دو منظور شده است).

عمده‌ترین سهام شرکت ساتکاپ که باید نسبت به واگذاری آن اقدام گردد، شرکت صبا (صنایع برق و آب) می‌باشد که سهامدار عمده شرکت‌های فراب (دارای ۵۱ درصد سهم)، مپنا (دارای ۵۱ درصد سهم)، توزیع‌های برق (دارای ۶۰ درصد سهم) و تولید برق (دارای ۶۰ درصد سهم) و سهام برخی از شرکت‌های آب و فاضلاب شهری (دارای حدود ۶ درصد سهم) می‌باشد. سهامداران صبا عبارتند از: ۴۹/۹ درصد ساتکاپ، ۴۹/۸ درصد مهتاب قدس، دو دهم درصد شرکت‌های ایران ترانسفو و کنتورسازی ایران (که سهام وثیقه می‌باشد). در صورت واگذاری سهام صبا از طریق بورس اوراق بهادار (قبلاً پذیرش مشروط از بورس اخذ شده است) مشکل عمده واگذاری سهام شرکت‌های ساتکاپ حل خواهد شد. البته ۴۹ درصد سهام شرکت مهندسی مشاور مهتاب قدس نیز باید به بخش خصوصی واگذار گردد. سهام شرکت‌های دیگر ساتکاپ مانند مشانیر، مقره‌سازی، ایران ترانسفو و غیره به سازمان خصوصی‌سازی برای واگذاری سهام آنها ارسال شده است.

پیشنهادهای

۱- مشکلات شرکت‌های بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی (مالی و پرسنلی) سریعاً بررسی و برطرف شده و نسبت به واگذاری سهام آنها اقدام گردد.

۲- مشکلات شرکت‌های بهره‌برداری از سد و نیروگاه‌ها نیز مانند بند فوق بررسی و سریعاً نسبت به واگذاری سهام آنها اقدام گردد.

۳- تشکیل شرکت‌های تولید برق با واگذاری مالکیت نیروگاه‌ها به آن شرکت‌ها، تسریع و نسبت به واگذاری سهام آنها اقدام جدی به عمل آید.

۴- شرکت‌های توزیع برق سریعاً بر اساس قانون استقلال شرکت‌های توزیع به شکل واقعی خصوصی شده و سهام توانیر در آنها به ۲۰ درصد تقلیل یافته و در صورتی که قرار است این شرکت‌ها از طریق افزایش سرمایه سهامداران فعلی به شکل خصوصی ایجاد شوند لازم است حتماً نسبت به واگذاری سهام صبا اقدام جدی به عمل آید. (سهامداران فعلی ۶۰ درصد صبا و ۴۰ درصد توانیر)

۵- نسبت به واگذاری برخی از سهام شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور در شرکت‌های آب و فاضلاب شهری به شهرداری‌های شهرهای بزرگ مثل تهران، شیراز، اصفهان، مشهد و غیره اقدام گردد.

۶- اقدام به فروش سهام صبا از طریق بورس اوراق بهادار گردد. (در این فروش سهام متعلق به مهتاب قدس نیز منظور گردد)

۷- نسبت به فروش سهام شرکت مهتاب قدس نیز اقدام لازم به عمل آید.